



فلسفه ابن سینا بیش از پزشکی او در غرب مورد توجه بود

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه ابن سینا هم به عنوان فیلسوف و هم به عنوان پزشک طی قرون متمادی در کشورهای غربی مورد توجه بوده است، گفت: اما هیچ‌گاه فراموش نشد اولویت اصلی همیشه از آن فلسفه بوده است.

استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه ابن سینا هم به عنوان فیلسوف و هم به عنوان پزشک طی قرون متمادی در کشورهای غربی مورد توجه بوده است، گفت: اما هیچ‌گاه فراموش نشد اولویت اصلی همیشه از آن فلسفه بوده است. دکتر کریم مجتهدی، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه تهران در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد جایگاه ابن سینا در غرب گفت: فلسفه ابن سینایی از اواسط قرن دوازدهم میلادی نه فقط به نحو اجمالی در غرب معرفی شده است، بلکه گروهی از متفکران غربی او را به عنوان مظهر آزاداندیشی تلقی کرده و به سبک او رساله‌های زیادی را به نگارش درآورده‌اند.

وی افزود: تحرک فکری که ابن سینا در غرب ایجاد کرده بود در دوره‌های بعدی نیز کاربردهای عمیق‌تری پیدا کرد. با تأسیس دانشگاه‌های غربی از اولین دهه‌های قرن سیزدهم، استادان استفاده‌های زیادی از افکار او برای تنظیم عقلایی کلام مسیحی کرده‌اند که در افکار آلبرت کبیر و به خصوص توماس آکوئینی نمونه‌های جالب توجهی از آنها نمایان است.

مجتهدی در ادامه سخنانش با بیان اینکه 120 نسخه از آثار ابن سینا در کتابخانه‌های غربی احیا شده است، تصریح کرد: کتاب‌شناسان و متخصصان می‌گویند که اگر نقل قول‌ها را که در کتاب‌های دیگر آمده را جمع کنند، این تعداد بیش از 120 نسخه خواهد شد، یعنی یک ذخیره فکری از طریق ابن سینا در غرب پیدا شده است.

ابن استاد فلسفه با بیان اینکه آلبرت کبیر در نوشته‌های خود به صراحت می‌گوید که بروید کتاب‌های ابن سینا را بخوانید، اظهار داشت: از نیمه دوم قرن چهاردهم در مراحل اولیه نهضت تجدید حیات فرهنگی غرب، تأثیر ابن سینا را می‌توان به طور مستقیم و به نحو آشکار در آثار 171#& فیچینو و 171#& و 171#& بیکو دولانیراندولا و ایتالیایی دید، به خصوص فیچینو که افزون بر زبان‌دانی و حکمت، مثل ابن سینا پزشک نیز بوده است.

وی تأکید کرد: به هر ترتیب ابن سینا هم به عنوان فیلسوف و هم به عنوان پزشک طی قرون متمادی در کشورهای غربی مورد توجه بوده و بدون اینکه هیچ‌گاه فراموش شود اولویت اصلی همیشه از آن فلسفه او بوده است.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در باب آشنایی غرب با دیگر وجوه فلسفه ابن سینا گفت: در این دوره تنها ابن سینا را به عنوان فیلسوف مشایی نمی‌شناسند، بلکه با فلسفه اشراقی و عرفانی و افلاطونی و افلوپینی او نیز آشنا می‌شوند، البته باید گفت که این نگاه نوعی مشائی سینوی و فارابی است که رنگ و بوی اشراقی یافته است.

مجتهدی درباره تأثیرپذیری ژیلسون و کربن از ابن سینا افزود: اتین ژیلسون به خوبی متوجه اهمیت ابن سینا و قدرت کلام مسیحی او شده و بر این نکته نیز تأکید دارد. همچنین هانری کربن نیز بر ابن سینا بسیار تأکید دارد و معتقد است که اهمیت ابن سینا این نیست که او مفسر ارسطو است، بلکه برعکس به این دلیل است که او متفکری است که روح عرفانی و اشراقی دارد و بر سهروردی هم تأثیر گذاشته و توانسته سنت اشراقی را به شیوه معنوی بیان کند.